موضوع: مراجعه 48، مویدات نصوص امامت

مراجعه 48 و بحث مویدات نصوص امامت

درباره حدیث مدینه العلم به تفضیل از نظر سند و مدلول بحث شد و اشکالاتی هم که بر آن مطرح شده بود نقل و پاسخ داده شد. در بخش پایانی هم اشکالات ابومریم اعظمی پاسخ داده شد.

اکنون به ادامه بحث که مراجعه 48 می پردازیم. این مراجعه در پاسخ به درخواست شیخ سلیم بشری، عالم الازهر بیان شده است. وی در مراجعه 47 از جناب شرف الدین درخواست کردند که نصوصی که مرحوم شرف الدین مدعی بودند اینها مویدات آیه شریفه ولایت است را بیان کند. شیخ سلیم در مراجعه قبل از آن، دلالت آیه ولایت بر امامت امیرالمومنین (ع) را تام دانست، اما گفت این دلیل مانعی دارد و آن عمل خلفای سه گانه بوده است. مرحوم شرف الدین در پاسخ وی فرمود: اولا عمل خلفای سه گانه محل اختلاف است و مقبول بین طرفین نیست و لذا نمی تواند به عنوان احتجاج مورد استناد قرار گیرد. ثانیا می توان نصوص ولایت امیرالمومنین (ع) را پذیرفت در عین حال خلافت آنها را به گونه ای دیگر توجیه کرد. ایشان این مطلب را به آینده واگذار کردند (مراجعه 84) و بعد یادآور شدند. ثالثا تاویل در این نصوصی که بیان شد و بعدا نقل می شود امکان ندارد، بویژه اینکه این نصوص مویدات فراوانی دارد «و لا سيما بعد تأييدها بالسنن المتضافرة المتناصرة، التي لا تقصر بنفسها عن النصوص الصريحة، و من وقف عليها بإنصاف وجدها بمجردها أدلّة على الحق قاطعة، و براهين ساطعة»[[1]](#footnote-1).

شیخ سلیم بعد از بیان مرحوم علامه درخواست کردند که آن مویدات را بیان کند: «ليتك أوقفتنا على السنن المؤيدة للنصوص، و هلّا اطّردتها من حيث أفضيت، و السلام».[[2]](#footnote-2)

مرحوم شرف الدین در پاسخ این مراجعه 40 روایت را آورده اند که هم خود دلالت بر امامت امیرالمومین (ع) می کنند و هم موید نصوص دیگر هستند. در جلسات قبل تا روایت مدینه العلم بحث بیان شد، اکنون به بررسی سایر این روایت می پردازیم.

حدیث شماره 13

« قوله صلّى اللّه عليه و آله و سلّم- فيما أخرجه ابن السماك عن أبي بكر مرفوعا-: «علي مني بمنزلتي من ربي»». ابن سماک از ابوبکر و او از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود: منزلت علی (ع) مانند منزلت من نزد پروردگارم است. در پاورقی می گویند: «نقله ابن حجر في المقصد الخامس من مقاصد الآية 14 من الآيات التي أوردها في الباب 11 من صواعقه فراجع منها ص 106»: ابن حجر مکی این حدیث را در مقصد پنجم از مقاصدی که درباره آیه 14 در مورد فضایل اهل بیت (ع) آورده، بحث کرده است.[[3]](#footnote-3)

سند روایت

ذهبی در سیر اعلام النبلاء، درباره ابن سماک گفته است: او ابوعمر عثمان بن احمد بغدادی (م 344 ه) است. وی فردی برجسته، امام، محدث است که روایات زیادی را نقل کرده و آدم مورد اعتماد و صادقی بوده است. خطیب بغدادی درباره وی گفته است: کان ابن سماک ثقه ثبت (وی فرد موثق و مورد اعتمادی بوده است). وی روایات زیادی را جمع آوری و ضبط کرده اما در میان آنها هم روایت عالی و هم نازل است.[[4]](#footnote-4)

در این روایت سند به صورت کامل ذکر نشده است و طبق اصطلاح اصولیون امامیه وقتی سند روایتی به صورت تام ذکر نشده باشد و یا فردی از قلم افتاده باشد، آن را «مرسل» گویند. ولی در اصطلاح عالمان حدیث اهل سنت، معمولا حدیث «مرسل» به حدیثی گفته می شود که راوی آن معمولا تابعی بوده و بدون اینکه از صحابی نقل کند، حدیث را به پیامبر (ص) مستند کند. و اگر راوی حدیثی غیر تابعی باشد و از صحابی نقل کند، آن را «منقطع» گویند. ابن صلاح در این باره می گوید: « من مذاهب اهل الحدیث فی تعریف المنقطع ان المنقطع مثل المرسل و کلاهما شاملان لکل ما لایتصل اسناده و هذا المذهب اقرب، صار الیه طوائف من الفقها و غیر الفقها و هو الذی ذکره ابوبکر الخطیب فی الکفایه الا ان اکثر ما یوصف به الارسال من حیث الاستعمال، ما رواه التابعی عن النبی (ص) و اکثر ما یوصف فی الانقطاع ما رواه من دون التابعی عن الصحابه مثل مالک بن انس عن ابن عمر و نحو ذلک».[[5]](#footnote-5)

اشکال و جواب

ابومریم اعظمی در نقد المراجعات گفته است از آنجا که این حدیث سندی ندارد نمی توان درباره صحت آن سخنی گفت.

در دفاع از این حدیث می توان گفت: طبق قاعده داشتن شواهد برای حدیث، ضعف روایت جبران می شود. این قاعده بیان می کند اگر مضمون حدیثی در احادیث دیگر که معتبر هستند آمده باشد، یا تعداد زیادی روایت دیگر به همین مضمون آمده باشد، هر چند سندشان دارای مشکل باشد، به عنوان شواهد این روایت شناخته شده و ضعف آن را جبران می کند.

دلالت حدیث

مراد از منزلت، در این آیه منزلت عبودیت نیست، بلکه مقصود منزلت و مقام معنوی پیامبر (ص) و جایگاه ایشان نزد خداوند است. روشن است که منزلت و جایگاه آن حضرت برترین جایگاه نزد خداوند بوده است به گونه ای که فرد دیگری به درجه ایشان نمی رسد. طبق این روایت و به فرموده پیامبر اکرم (ص)، این جایگاه و مقام را امیرالمومنین (ع) دارد. و این گونه امیرالمومنین (ع) به خاطر داشتن این جایگاه بر سایر صحابه و نیز سایر انسان ها حتی انبیای الهی غیر از پیامبر اکرم (ص) برتر و افضل است. اکنون می گوییم همان طور که پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند به عنوان راهنمای بشر برگزیده شده تا پیام های الهی را به مردم ابلاغ و برای آنها تبیین کند، همین جایگاه را امیرالمومنین (ع) دارد. ایشان نیز از جانب پیامبر اکرم (ص) و به اذن خداوند به عنوان راهنمای بشر برگزیده شده اند تا احکام نبوی (ص) را به صورت کامل به دیگران برساند و برای آنان تبیین کند. این دلالت از روایت ابن سماک به دست می آید.

حدیث 14

« قوله صلّى اللّه عليه و آله و سلّم- فيما أخرجه الدار قطني في الإفراد عن ابن عباس مرفوعا-: «علي بن أبي طالب باب حطّة، من دخل منه كان مؤمنا و من خرج منه كان كافرا»». در پاورقی می فرماید: « و هذا هو الحديث 2528 من أحاديث الكنز في ص 153 من جزئه السادس».[[6]](#footnote-6)

انشاءالله بررسی این روایت در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 322 [↑](#footnote-ref-1)
2. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 323 [↑](#footnote-ref-2)
3. الصواعق المحرقه، ابن حجر مکی، ص 220 [↑](#footnote-ref-3)
4. سیر اعلام النبلاء، ابوعبدالله ذهبی، ج12، ص100- 101 [↑](#footnote-ref-4)
5. مقدمه ابن الصلاح، ص 64 [↑](#footnote-ref-5)
6. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 330 [↑](#footnote-ref-6)